

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: آیه چهارم - معنای کلی آیه - اشاره به معاد و انحصار حمد در خدا
تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۹۵
مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۳۸
جلسه: ۲۳

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

مفردات آیه چهارم را معنا کردیم، محصل مطالبی که تا بحال گفتیم این شد که مالک به معنای ملکیت حقیقی خداوند است، این قرائت رجحان دارد بلکه متعین است، تعیین آن را هر چند ما نپذیریم اما رجحان آن بر ملک قطعی است، پس مالک به معنای این است که خداوند تبارک و تعالی ملکیت حقیقی دارد و واجد و محیط به این عالم است، بلا تشبیه مثل ملکیت انسان نسبت به اعضا و جوارح خودش، همچنان که اعضا و جوارح انسان از او جدا نیست، این عالم هم جدای از خداوند نمی‌باشد، همه این عالم جلوه‌های حق تعالی هستند، این نکته مهمی است که ما در نسبت و رابطه خودمان با خداوند متعال، خدا را یک موجودی فرض نکنیم و خود را جدا بدانیم و این اضافه را تصور کنیم و این نسبت را در نظر بگیریم که خداوند مالک ما و موجودات این عالم است مثل ملکیت ما نسبت به خانه و آنچه که به ما نسبت و اضافه دارند، حتی ممکن است کسی در مورد خدا اعتقاد به مالکیت داشته باشد ولی به اشتباه این مالکیت را از قبیل مالکیت‌های اعتباری بداند، این خیلی مهم است، که ما سنخ مالکیت خداوند را از سنخ ملکیت حقیقی بدانیم نظیر ملکیت انسان نسبت به اعضا و جوارح خود.

معنای «یوم» هم معلوم شد که دو احتمال در آن می‌باشد:

۱. معنای یک دوره و مقطع که حد خاصی ندارد، بلکه یک موقعیت است.

۲. به معنای ظهور.

برای کلمه «دین» هم دو معنا و احتمال ذکر شد، یکی جزاء و دیگری دین به معنای جامع خود که جزاء هم بخشی از آن است.

معنای کلی آیه

احتمال اول

حال براساس تبیین صورت گرفته از این مفردات اگر بخواهیم این آیه را به صورت کلی معنا کنیم باید بگوییم در این آیه خداوند تبارک و تعالی اشاره می‌کند، به این جهت که خداوند مالک آخرت است طبق این احتمال که یوم را به معنای یک مقطع بدانیم و دین را به معنای جزاء، خداوند مالک یوم جزاء است، وقتی می‌گوییم مالک یوم جزاء است یعنی روزی که در آن روز نتیجه اعمال در این دنیا آشکار می‌شود و به دست خداست، دنیا دار عمل است و آخرت یوم جزاء

و حسابرسی و رسیدگی به عمل است، اگر گفته می‌شود که خدا مالک آن روز است، به معنای نفی ملکیت خدا در حیثیات و ابعاد و شئون دیگر نیست، اگر گفتیم «یوم الدین» یعنی «یوم الجزاء» یعنی مالک آن بخش است، چون آن عالم، عالم بروز و ظهور نتیجه اعمال انسان‌ها است، عالم مجازات و پاداش است، پس خداوند مالک جزاء به این معنا است.

احتمال دوم

طبق احتمال دیگر باید گفت خدا مالک یوم الدین به معنای عام است یعنی یوم به همان معنای اول و دین به معنای توحید و نبوت و ولایت و امثال آن تا حقیقت باطنی اعمال انسانها و از جمله جزاء.

این احتمال و این معنا اوسع از معنای اول است، یعنی خداوند مالک روزی است که روز حقیقت دین است، آن روز، روز حقیقت دین، حقیقت توحید، نبوت، ولایت و اعمال انسان‌ها است و خدا مالک حقیقی آن است، دین در دنیا شریعتی است که انبیاء برای هدایت انسان‌ها آورده‌اند اما صورت آن نزد انسان‌ها مختلف است، تلقی انسان‌ها متفاوت است، ولی در آنجا دیگر این تفاوت نیست، خداوند مالک حقیقت دین به تمامه در آن روز است. خدا مالک روز دین است به این معنا که در آن شرایط و آن روز همه حقیقت دین از توحید گرفته تا جزاء، تجلی پیدا می‌کند و خدا مالک آن روز است.

پس احتمال اول این شد که یوم به همان معنای اول یعنی یک مقطع باشد و دین به معنای جزاء، احتمال دوم این که یوم به معنای اول یعنی یک مقطع و دین به معنای اعم از جزاء یعنی همان معنای جامع دین که جزاء بخشی از آن است.

احتمال سوم

«یوم» به معنای ظهور است، نه یک مقطعی که یک حد و اندازه خاصی ندارد. دین هم به معنای جامع است، آنوقت طبق این احتمال معنای آیه این می‌شود: خداوند مالک حقیقی ظهور دین و بروز دین و آشکار شدن حقیقت دین است، قیامت وقت ظهور حقیقت توحید است، وقت ظهور حقیقت ولایت است، وقت ظهور حقیقت نبوت است، وقت ظهور عقاید باطنی ما می‌باشد، وقت بروز و تجلی باطن شخصیت ما می‌باشد، وقت محاسبه اعمال ما است، یعنی حقیقت دین به تمام معنا، آنروز ظهور و تجلی پیدا می‌کند و خدا مالک آن است، آن روز معلوم می‌شود که ملکیت فقط برای خداست، آنروز معلوم می‌شود که آنچه که ما تصور می‌کردیم از ملکیت‌های خودمان در دنیا همگی سراب بوده است، آنروز معلوم می‌شود که هیچ‌کس مالک نیست، آنان که ما گمان می‌کردیم مالک هستند، فی الواقع خود آنها مملوک بوده‌اند، آنروز است که از آن به «یوم الحسرة» تعبیر می‌کنند، انسان حسرة می‌خورد که چرا پناه به این و آن آورده است، چرا استمداد از غیر خدا کرده است، چرا به ریسمان کسی یا کسانی یا چیزی چنگ زده که به جایی متصل نبوده است، وقتی که یک حقیقتی برای انسان آشکار و ظاهر می‌شود، این حقیقت با آشکار شدن خود باعث تأسف و تأثر انسان نسبت به گذشته خودش می‌شود، مثل اینکه فرض کنید در جایی می‌روید و با کسی برخورد می‌کنید و او را نمی-

شناسید، فکر می‌کنید یک آدم معمولی است، در همین دنیا هیچ کاری از دست او نمی‌آید و هیچ تاثیری ندارد، هیچ فایده‌ای به حال انسان ندارد، ممکن است خیلی عادی برخورد کنید، ولی اگر بدانید این شخص منشأ اثر است و می‌تواند به شما کمک کند، می‌تواند مشکل شما را حل کند، آنوقت نوع رفتار شما عوض می‌شود و جلب محبت و توجه او را می‌کنید، بعد که می‌فهمید چقدر تأسف و حسرت می‌خورید که چرا آنگونه که بایسته و شایسته بوده به آن شخص احترام نگذاشته و توجه نکرده‌اید، دقیقاً نسبت ما انسان‌ها به خداوند اینگونه می‌شود، یعنی آن روز است که تازه ما می‌فهمیم که خداوند چه هست و چه اقتداری دارد و مالک حقیقی است و همه چیز در برابر او هیچ است، لذا حسرت می‌خوریم چرا در مقابل این قدرت و در مقابل این عظمت برای خودمان حساب باز کردیم، چرا به غلط به دامن دیگران پناه بردیم، چرا انتظار کمک و حل مسائل و مشکلات خود را از دیگران داشتیم. پس این سه احتمال در مورد «مالک یوم الدین» وجود دارد.

بررسی احتمالات سه‌گانه

اگر بخواهیم ما یوم را به معنای ظهور بگیریم، شاید شواهد و قرائن لغوی و عرفی یا حتی در لسان آیات و روایات بر آن نباشد، هرچند امکان آن وجود دارد، ولی ظاهر در این معنا نیست، و الاً از نظر تبیین مسئله که بگوییم روز قیامت روزی است که حقیقت دین آشکار می‌شود، حرف درستی است، چون دیگر در آنجا حجابی نیست و همه چیز با صورت واقعی خود بروز می‌کند، اما بحث این است که ما این معنا را از این قالب می‌توانیم استخراج کنیم یا خیر؟ لذا احتمال سوم با اینکه احتمال قابل قبولی است و تا حدی پذیرفتن آن به ذهن نزدیک می‌آید، اما تحمیل این معنا برای کلمه یوم شاید چندان شاهد قوی نداشته باشد.

اما احتمال اول و دوم به نظر می‌رسد قابل قبول است، احتمال اول مؤید روایی دارد، چون دین را به حساب تفسیر کرده‌اند، ممکن است کسی بگوید اگر دین را به معنای حساب دانسته‌اند، این به معنای انحصار دین در حساب نیست، بلکه دین به همان معنای جامع خود می‌باشد، این با ظاهر لفظ هم سازگارتر است، روز دین است، دین در مقابل دنیا به این معنا که حقیقت دین، آن سعادت واقعی که در پرتو دین حاصل می‌شود و جزاء هم بخشی از آن است، خداوند مالک این حقیقت است. مثلاً می‌گویند امروز روز فلانی است، در بین ورزشکاران و هنرمندان، یا کسی که در یک شرایطی (بقول عوام) شانس به او روی آورده است، روز همراه با پیروزی و کامیابی و موفقیت است، می‌گویند روز فلانی است، اینکه می‌گویند این روز فلانی است یعنی امروز روزی است که توجهات به او جلب شده و جلوه کرده است، بروز و ظهور داشته، پیروزی و کامیابی و موفقیت داشته است، اگر در مورد قیامت هم می‌گویند «یوم الدین» یعنی آنروز روزی است که حقیقت دین جلوه می‌کند، در آن روز دیگر همه قوانین و دستورات و اخلاقیات و اعتقادات و چیزهایی که باید به عنوان برنامه سعادت پیش می‌گرفتیم حقیقتش در آن روز آشکار می‌شود، روز دین به این معنا، تجلی و بروز و ظهور دین است آن روز.

البته احتمال اول هم قابل قبول است به این معنا که بگوییم روز جزاء و محاسبه و حسابرسی است و مؤید روایی هم دارد. لذا بنظر ما هم احتمال اول درست است هم احتمال دوم.

اشاره آیه به معاد

اما احتمال سوم همان طور که گفته شد تا حدودی بعید به نظر می‌رسد چون معنای یوم بنا بر آنچه که در کتب لغت و استعمالات عرفی وارد شده است ظهور نیست.

در هر صورت چه معنای اول و چه معنای دوم و چه معنای سوم را بپذیریم، آیه بنا بر هر سه احتمال اشاره به یک حقیقت دارد و آن هم عالم پس از مرگ و قیامت است، در این تردیدی نیست، و این که ما یوم را به هر یک از آن دو معنا بگیریم، «دین» را به هر یک از آن دو معنا بگیریم که چهار احتمال در اینجا قابل تصور است، در این نتیجه تاثیر ندارد که «یوم الدین» اشاره به قیامت دارد. بر این اساس خداوند تبارک و تعالی در آیه سوم اشاره کرده است به آن رحمانیت و رحیمیت و در آیه چهارم اشاره کرده است به آن حیثیت جزاء و حسابرسی و قیامت و روزی که حقایق همه آشکار می‌شود، یعنی ابتدا یک مزده و بشارت و ترغیب و سپس انذار و تخویف، اول یک رجاء و سپس یک خوف، «بسم الله الرحمن الرحیم» بعد می‌فرماید الحمد لله رب العالمین» با همان جهاتی که عرض شد، آنوقت می‌فرماید «الرحمن الرحیم»، خدایی که رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه دارد، این دمیدن روح امید و رجاء است. پس به دنبال آن می‌گوید، «مالک یوم الدین» خدایی که رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه دارد مالک روزی است که آن روز حقیقت همه چیز آشکار می‌شود، حقیقت دین از توحید تا معاد و آنجا جزاء و حسابرسی است، این یک تلنگری برای انسان است که برای او یادآوری معاد می‌شود. گفتیم، از «رب العالمین» توحید ربوبی استفاده می‌شود، در «مالک یوم الدین» اشاره به معاد دارد و اشاره به معاد و یادآوری معاد از اموری است که جای جای قرآن بر آن تاکید شده است، یعنی در مواضع مختلف انسان را به یاد مرگ و قیامت و حسابرسی و جزاء می‌اندازد تا بداند مسیر زندگی و جریان زندگی او به هر حال در یک موقعیتی به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد و پرونده فکر و عمل و اندیشه و رفتار و گفتار و کردار او باز می‌شود و به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرزند یکی از بزرگان او را در خواب دیده بود و سوال کرده بود که چه خبر از آن دنیا؟ آن بزرگ فرموده بود که من فقط به شما بگویم همه چیز در اینجا به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد، حتی یک حرکت دادن دست، این خیلی مهم است که اعمال انسان، رفتارهای ما، حتی رفتارهایی که ظاهر آنها خوب است، خاستگاه و انگیزه آن بررسی می‌شود که اصلاً به چه انگیزه‌ای صورت گرفته است، سلامی که می‌کنیم، بی‌اعتنایی که به افراد می‌کنیم، گرم می‌گیریم یا سرد برخورد می‌کنیم، احترام می‌کنیم، توهین می‌کنیم، حتی آنجایی که صورت عمل انسان صورت زیبایی است باز به صورت تنها اکتفا نمی‌شود، خداست که میداند در نهان ما چه می‌گذرد و این بر چه اساسی صورت گرفته است، آنچه که در

افکار و اندیشه ما می‌گذرد، ذهن ما، اینها هم دارای حساب و کتاب است، به هر حال خداوند اول امید می‌دهد بعد این خوف را یادآوری می‌کند.

دلالت آیه بر انحصار حمد در خداوند

یک نکته را در اینجا لازم است در تتمیم بحث‌های گذشته عرض کنیم و آن اینکه «مالک یوم الدین»، همانند «رب العالمین» و «الرحمن» و «الرحیم» دلیل بر انحصار حمد در خداوند است، اگر گفته شده «الحمد لله» حمد منحصر شد بر خدا و اختصاص پیدا کرد بر خداوند گفتیم در همین آیات برهان و دلیل بر انحصار حمد در خدا آمده است، هم انحصار حامدیت و هم انحصار محمودیت، تنها حمد شونده خداست و تنها حمد کننده خداست، دلیل آن «رب العالمین» است، چون رب العالمین است حمد منحصر به او می‌باشد. چون رحمان است حمد منحصر در او می‌باشد، چون رحیم است حمد منحصر در او می‌باشد و نیز چون «مالک یوم الدین» است، حمد منحصر در اوست، پس «مالک یوم الدین» ضمن اینکه یادآوری می‌کند معاد را و یک هشدار است به انسان دلیل بر انحصار حمد در خداوند است و دیگر اینکه این یک دلیل و برهانی بر خود معاد است.

«والحمد لله رب العالمین»